

سرمقاله

بسم الله الرحمن الرحيم

۱. ظهور و بروز هر پدیده‌ای در دنیای فناوری، آثاری فرهنگی و فکری و عملی دارد که نمی‌توان نادیده گرفت. گاهی این آثار چنان ژرف است که حتی اگر آن ساخته دنیای صنعت را از زندگی برداریم، آثار آن از میان نمی‌رود، یعنی بازگشت به فضای فرهنگی قبل از پیدایش و رواج آن فرآورده دشوار می‌نماید.
۲. فناوری چاپ، نگارش و نشر را در تمام حوزه‌های معرفتی آسان کرد، البته همراه با آثاری فرهنگی - اخلاقی و اجتماعی که به تدریج در میان مردم پیش آمد و نهادینه شد.

پیش از این صنعت، کتاب به شیوه استنساخ به دست دیگران می‌رسید. از سوی دیگر، در مدارس و مراکز آموزشی، کتابی به دست فرد می‌رسید که آن را نزد استاد خوانده و از او درس گرفته باشد، با تسلط بر نکات و زوایای آن. کاغذ به شیوه دست‌ساز تهییه می‌شد، تأمین هزینه استنساخ، از عهدۀ هر کسی ساخته نبود، به علاوه تهییه نسخه از کتاب، به زمان نیاز داشت. مهم‌تر اینکه کتابی که نسخه آن بدون درس گرفتن به دست می‌آید، ارزش علمی در نظر عالман نداشت، و در اصطلاح آنان «وجاده» نام می‌گرفت، در حالی که آنچه با تعلم نزد استاد به دست می‌آمد، «اجازه» نام داشت.

۳. بدین‌سان، «اجازه» سبب تداوم سنت علمی به شیوه تعلیم و تعلم دقیق و عمیق بود که با آرامش، حوصله و ژرف‌نگری همراه بود. بدین‌روی، مبحث اجازه در تمام علوم - به ویژه علم حدیث - اهمیت زیادی دارد که در جای خود باید بحث

شود. اصرار بزرگانی همچون محدث نوری، شیخ آقابزرگ تهرانی و آیت الله مرعشی برگرفتن و دادن اجازه، مقوله‌ای مهم است که باید با توجه به عوامل مختلف در مورد آن تحقیق شود و این گفتار مختصر را مجال آن نیست.

۴. ظهور صنعت چاپ، آرامش و ژرف‌نگری در دانش را از اهل دانش و پژوهش گرفت. در عوض شتاب‌زدگی، سطحی‌نگری و روی آوردن به «دانستنیهای زود بازده» را به آنان ارزانی داشت. کثرت مراکز آموزشی و پژوهشی و گسترش امکانات عرضه یافته‌ها برای دانش آموختگان، غثّ و سمین را در هم آمیخت. هرچه زمان گذشت، این کثرتها، فرصت را بر تفکر و ارزیابی دقیق و علمی بیشتر می‌بست.

انقلاب ارتباطات - اطلاعات در دنیا، این پیامدها را بیشتر گسترش داد. امروز در آیینه رایانه‌ها و شبکه‌ها، صدها مطلب را می‌توان دید که هر دقیقه بر تولید آنها افروزه می‌شود، بدون اینکه از صافی ارزیابیها و داوریهای عالمانه گذشته باشد.

۵. ارزش اجازه در تولید و نشر علم، که از روزگاران کهن مطرح بود، در دنیای اطلاعات - محور فعلی بیش از پیش جایگاه خود را نشان داد.

اکنون عموم صاحب نظران بر آن‌اند که ارزیابیهای فعلی نسبت به دقت نظرهای ادوار پیشین، بسیار شتاب‌زده است و باید ژرف‌نگریهای گذشتگان احیا شود تا کمیت‌نگری جای خود را به کیفیت محوری بدهد. این ضرورت در تمام حوزه‌ها ضروری است، ولی در علوم حدیث بسیار ضروری‌تر.

۶. این فرآیند چگونه تحقق می‌یابد؟ پرسشی است که صاحب نظران باید با دقت و حوصله در آن بیندیشند، به گونه‌ای که بتوان به آمیزه‌ای دست یافت، از ژرف‌نگری پیشینیان از یک سوی، و بهره‌گیری از دستاوردهای فناوری اطلاعات از سوی دیگر. طبعاً مقدمه واجب آن، شناخت هر دو فضا و ملزمات آن است و این، خود به کاری جمعی نیاز دارد که مقدم برجسترش کمی دانشجویان و مراکز است.

۷. در این فرصت، فقط به یکی از نتایج اجازات پیشین نظری می‌افکنیم.



در آن روزگاران، دانش فقط از معتبر تدریس و تربیت می‌گذشت و نه خواندنهای عجولانه و بی‌برنامه و دور از هدف. بدین‌روی، مدرسان و مربیان در هر فرصتی در زمینه اخلاق به طور عام و اخلاق علمی به طور خاص تذکرهايی به دانش‌پژوهان می‌دادند. اين تنبیه‌ها، گاه در ضمن متن مكتوب اجازه ثبت می‌شد و به آيندگان می‌رسيد. به برکت اين اهتمام آنان، امروز در لابه‌لای متون اجازات، به نکات مهمی در باب اخلاق علمی دست یافته‌aim که می‌تواند ما را در تدوین «منشور اخلاق علمی» کمک رساند.

۸. هر یک از اين جملات، حاصل عمر پژوهشگري درداشنا است که جانش در راه تعلیم و تعلم مواریت گران‌سنگ اهل بیت ﷺ سوخته و تجربه‌هایی اندوخته است. آنگاه این گنج بی‌بها، بدون رنج ما، به دستمان رسیده است. به چند بند از اين توصیه‌ها نظری می‌افکنیم، مبتنی بر نصوص اجازات که در دفترهای ۲۲ گانه میراث حدیث شیعه^۱ انتشار یافته است.

- (۱) تقوی و استواری در نقل حدیث، و دقّت در روایت را رعایت کنید.
- (۲) متون و اسانید را با دقّت در نظر گیرید.
- (۳) از مطالب غلط و چاله‌های کسانی که با توسع در باب احادیث سخن می‌گویند، خود را باز دارید.
- (۴) از تحریفها و توجیهاتی که حقایق نورانی را آلوده می‌سازد و کرامت مذهب را خدشه‌دار می‌کند، بر حذر باشید.^۲
- (۵) احادیثی را که روایت می‌کنید، بکوشید تا به مضمون آنها عمل کنید.
- (۶) زمانی بر اساس این احادیث، فتوا و نظر بدھید که مطمئن باشید:

۱. مجموعه میراث حدیث شیعه، مجموعه‌ای از مقالات و رسائل در حوزه علم‌الحدیث و علوم وابسته به آن است که ۲۲ دفتر آن را دارالحدیث انتشار داده است.

۲. بند ۱ تا ۴، از اجازة میرزا محمدعلی اردوباری به سید محمدکاظم جزائری، سال ۱۳۵۸ قمری، میراث حدیث شیعه، ج ۲۰، ص ۵۰۱.



- اولاً - احتیاط کامل را در فهم حدیث به کار بردہ اید.
- ثانیاً - فقط به دلالت‌های آشکار و واضح اعتماد کنید، که قلب بدان اطمینان یابد و علم از آن به دست آید.
- ثالثاً - در هنگام تعارض، بر اساس عوامل مرجح که از اهل بیت علیہ السلام رسیده، به ترجیح روی آورید.
- رابعاً - در هنگام اشکال و امکان احتمال، توقف و احتیاط کنید.
- خامساً - حدیث را به آنچه دلیل بر آن اقامه نشده و در نص صریح نرسیده - گرچه مشهور باشد - تعویل نکنید، زیرا بسا مشهور که اصلی ندارد، خصوصاً آنچه اصل آن از علمای تسنن است که با شیوه امامان علیہما السلام مخالفت دارد.^۱
- (۷) همواره از خدای سبحان پروا دارید و او را مراقب خود بدانید.
- (۸) احتیاط تام در تمام امور، به ویژه فتواء، زیرا مفتی بر پرتوگاه دوزخ است.
- (۹) علم را به اهلش برسانید.
- (۱۰) تمام توان خود را برای تحصیل و تحقیق علم به کار گیرید.
- (۱۱) اخلاق برای خدای تعالی، هم در کسب علم و هم در تعلیم به دیگران.^۲
- (۱۲) دوری از آنچه خشم الهی را برانگیزد، بدون خودنمایی یا جدال یا لجاجت.^۳
- (۱۳) تبع کامل قبل از استنباط یک حکم، که قبل از جمع کامل و بررسی دقیق ادله خاص هر مطلب، به سرعت و بر اساس مقتضای اصول و قواعد و عمومات، حکم صادر نکنید. حتی در مقام جمع ادله به روایات آن باب اکتفا نکنید، بلکه - به

۱. بند ۵ و ۶ از اجازة شیخ حز عاملی به شیخ بحرانی (شارح وسائل الشیعه)، سال ۱۰۸۶، میراث حدیث شیعه، ج ۱۲، ص ۴۱۵.

۲. بند ۷ تا ۱۱، از اجازة ملا احمد نراقی به ملا علی آرائی، سال ۱۲۱۷، میراث حدیث شیعه، ج ۸، ص ۴۵۰.

۳. از چندین اجازة علامه مجلسی، در سالهای ۱۰۸۷ و ۱۰۹۵ و ۱۱۰۲، میراث حدیث شیعه، ج ۴، ص ۵۳۸ و ۵۵۶ و ۵۴۸.



گفته صاحب جواهر - گاهی حکمی از احکام باب طهارات، با ملاحظه روایات باب حدود و قصاص و دیات، روشن می شود.^۱

(۱۴) نسبت به نظر خود - گرچه استوار باشد - استبداد رأی نداشته باشد.

(۱۵) به مخالفت بزرگان فخر نفوشید، گرچه پندارید که نظر آنها ناتمام و نارسا است، بلکه برای تکمیل مطالب ناتمام بکوشید.

(۱۶) از لذت جویی نفس حیوانی خود را ارتقا بدھید تا اوج تشبه به ملائک، بدان امید که به جایگاه والا برسید.^۲

(۱۷) جسارت و بدگویی به دانشمندان را رها کنید.

(۱۸) به فهم آنها اکتفا نکنید.

(۱۹) همواره مراقب نفس امّاره باشید.^۳

(۲۰) بدون ژرف‌نگری وتلاش کامل برای دستیابی به حکم دقیق، فتوا به احتیاط ندهید.^۴

۹. آنچه آمد، قطره‌ای بود از دریای توصیه‌های بزرگان، که پشتونهای استوار از عمل خالصانه داشت. یعنی کلامی بود که از دل بر می خواست و بر دل می نشست و به نسلهای بعدی می رسید. بدین سان، در فضایی معنوی، با کمترین امکانات - که آن فقر امکاناتی امروزه برای ما قابل تصوّر نیست - پژوهشها یی بلنده سامان می یافت. تواضع، احتیاط، ادب، متانت و اخلاص بر جیبن آن یافته‌ها و دستاوردها دیده می شد.

باید بکوشیم آن ارزش‌های اخلاقی را در پژوهش‌های فعلی علم‌الحدیث، نه در

۱. از اجازه شیخ جعفر شوشتاری به میرزا جعفر طباطبائی حائری، سال ۱۲۹۱، میراث حدیث شیعه، ج ۳، ص ۴۳۶.

۲. از اجازه سید علی صاحب ریاض به ملا محمد قاسم نراقی، سال ۱۲۱۳، میراث حدیث شیعه، ج ۳، ص ۳۹۳.

۳. بند ۱۷ تا ۱۹، از اجازه ملا محمد حسن فزوینی به ملا محمد قاسم نراقی، سال ۱۲۱۳، میراث حدیث شیعه، ج ۳، ص ۳۹۹.

۴. از اجازه سید حسن صدر به شیخ محمد امین خویی، سال ۱۳۳۶، میراث حدیث شیعه، ج ۳، ص ۴۸۷.



زیان و بیان، که در عمل احیاکنیم. فراموش نکنیم که لغزش عالم، لغزش گروههایی از مردمان را در پی دارد، تا آنجاکه گاه، از مرز زمان و مکان می‌گذرد و به آفاق دیگر و نسلهای آینده زیانهایی می‌رساند جبران ناپذیر و بنیان سوز.

۱۰. علوم وابسته به حدیث، میراث گران قدری است که از بزرگ مردانی کم نظیر برای ما به یاگار مانده است، مردانی آسمانی همچون زراره، ابو بصیر، محمد بن مسلم، ابن ابی عمر، فضل بن شاذان، عبدالعظيم حسنی، و دهها تن دیگر که نه تنها از حرام، بلکه از شببه و حتی از حلال نیز گذشتند؛ خون دل خوردن و گام استوار در راه فشردن و این همه را برای جلب رضای امام زمانشان به کار گرفتند که رضای خالق متعال را در رضایت حجت حی روزگار خود یافتند و این نکته، کیمیای سعادت آنها بود.

آنان این کیمیای سعادت را قدر دانستند و چنین شد که سرمایه‌ای بس متبرک و نورانی به آیندگان رسانند. آیا این نسل، می‌خواهد مصدق آیه شریفه باشد: «فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهْوَاتِ»؛ یا وارثی قدرشناس و شاکر نعمت که خیانت در امانت نکند. اینان نیز - همچون آنان - باید کیمیای سعادت محبت و اطاعت امام زمانشان را هدف والای خود بدانند و این کلام والای امام باقر صلوات الله علیه خطاب به جناب جابر چعفی را نصب العین خود بدارند که فرمود:

«ان الماجد لصاحب الزمان كالماجد لرسول الله في ايامه» (روضه کافی)

حدیث ۴، صدر خطبه الولیله

آیا عدم توجه به حضرت بقیة الله ارواحنا فداه در شئون مختلف - به ویژه در پژوهش‌های علمی - درجه‌ای نازل از «جحد» آن بزرگوار نیست؟
اعاذنا الله تعالى منها.